

متن پرسش

سلام و عرض ادب: با قلب نیم سوز خود چه کنیم؟ با قلبی که زمانی واله و شیدا بود. شیدای شیدا. قلبی که زمانی در عشق اهل بیت (ع) و دوستانشان می سوخت. با روضه‌ها ضجه می زد. و واقعا ضجه می زد و شیون می کشید. مثل فرزند مرده‌ای، چهره رفیق‌های الهی اش روح اش را می لرزاند. ذره‌ای فشار عصبی در او اثر نداشت. دائم الغم بود. و این همه تا زمانی بود که او جامعه را لمس نکرده بود. دنبال کار و پول و ماشین و زن و فرزند نبود. شاید هم در آن زیارت ناحیه شهر ری مرد. شاید هم باید می مرد. که حتی بلغ الحلقوم را حس کردم اما جان در نرفت. شاید «در این ماندن و بودن جز ملالت و افسردگی نیست»، سید درست گفت. شاید. با این پرنده در زندان شده چه کنم استاد؟ اگر آزاد شود. نگویند ادب عقل و خیال کنم که قلب همه را حل کرده بود. خیلی مدت است که کار از درس و کتاب گذشته است. نمی دانم چرا این کتاب‌ها هم از کار افتاده‌اند. نمی خواهم بگویم رسیدم به امام خمینی (ره) که گفت از درس و مدرسه رستم. نه هرکس خودش را می داند. الان فقط حرم آرامم می کند. استاد دیگر نمی توانم روضه گوش دهم. یعنی به جای شیون، روضه رو گوش می دهم و هنگ می کنم. چه کنم؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در سفر اربعینی امسال همه‌ی عرض بنده به رفقا این بود که به تاریخ جدیدی وارد شده‌ایم که انسان‌ها به‌خصوص جوانان باید خود را به وسعت حضور خدا در این تاریخ احساس کنند و این همان نکته‌ای است که جناب دکتر احمد فرید با نظر به انقلاب اسلامی در رابطه با «دازاین» از هایدگر یافته بود. در «جهان‌بودگی» یا «دازاین»، هایدگر افقی را می‌گشاید برای عبور از نیهیلیسم که شروع خوبی است، ولی یا باید بگویم کافی نیست و یا متعین نمی‌باشد. و دکتر احمد فرید در روح انقلاب اسلامی آن را یافت و با حضور اربعینی، این انسان یعنی در «جهان‌بودگی» او به صورتی متعین از اجمال به تفصیل آمده. در شب اربعین در آن موکب به خدمت عزیزان عرض شد این مردم نه برای بهشت این‌جا آمده‌اند و نه برای گریز از جهنم؛ اینان می‌خواهند حضور خدا را با حضور خود در این صحنه احساس کنند و به کمتر از این هم قانع نمی‌باشند. در آن مصاحبه‌ی اربعینی با آقای دکتر دخانچی به نحوی باز بر همین نکته تأکید شد و از این جهت به آینده که خداوند در افق بشر در این تاریخ گشوده است، بسیار امیدوارم.

همه‌ی آنچه گفتم و نگفتم جواب این سؤال بسیار مهم شماس‌ت که می‌گویید: «چرا این کتاب‌ها از کار افتاده است؟!» این را سخن یک شخص یعنی سخن شما نمی‌دانم، گفت همه‌ی جان‌هایی است که به سخن آمده است.

آری! اگر این کتاب‌ها دیگر از کار افتاده‌اند، ولی می‌بینی که سخن امثال آوینی‌ها تازه به «گفت» آمده است مثل سخن امیرالمؤمنین «علیه‌السلام» که در بستر حضور تاریخی اسلام محمدی «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» آن‌چنان سخنانی به زبان آورد که مادون سخن خالق و مافوق سخن مخلوق شد. پس کتاب‌هایی از کار افتاده است که می‌خواهند ما را در بستر تاریخی گذشته‌مان نگه دارند، وگرنه در بستر انقلاب اسلامی که خود در بستر روایت و قرآن است اگر امروز سخن گفته شود آسمان‌هایی که آماده‌اند در مقابل ما گشوده شوند، گشوده خواهند شد. در این مورد و در این حال و هوای اربعینی که سر‌کیف هستم، سخن‌ها دارم، اگر که شما نیز چنین سخنانی داشته باشید که می‌گویید در این تاریخ چرا کتاب‌ها از کار افتاده‌اند. خود دانید.

در مسیر اربعینی به رفقا عرض شد اگر روضه و هیئت نیز با نظر به افق گشوده‌ی انقلاب اسلامی به ظهور نیاید، روضه و هیئت هم از کار می‌افتند، ولی حسین «علیه‌السلام» و اربعین و دفاع مقدس و حجی‌ها، هرگز!! بد نیست در این مورد سری به جزوه‌ی «شهید حججی؛ وجودان تاریخی ما و انقلاب اسلامی» بزنید. موفق باشید